



فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی



بررسی نقش و جایگاه حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و راهکار ارتقاء آن

محمد مهدی سلیمانی^۱، علی شیرخانی^۲، ماشاءالله حیدرپور^۳

۴۱

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۴۱
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴-۰۴-۲۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵-۰۴-۰۲
صص: ۶۷-۷۶

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

اسکن کنید



چکیده

امروزه حقوق بشر بعنوان یکی از مباحث بین‌المللی در سیاست خارجی کشورها نقش‌آفرینی نموده و امنیت ملی آن‌ها را متأثر ساخته است. فی‌الواقع حقوق بشر به بخش جدایی‌ناپذیر تعاملات بین‌المللی دولت‌ها تبدیل شده و از امری انتزاعی به امری استراتژیک که با حیات سیاسی کشورها ارتباط پیدا کرده، تغییر ماهیت داده است. ازجمله در حوزه حقوق بشر اسلامی که نقش آن در سیاست‌های تفنینی و تدوینی نظام‌های سیاسی کشورهای مسلمان ازجمله ایران امری مسلم و تأثیرگذار بوده و است. هدف این مقاله، بررسی نقش حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی ایران و راهکار ارتقاء آنست. فرضیه اصلی این تحقیق اینست که حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر جهانی بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی ایران به‌عنوان ام‌القراء کشورهای اسلامی گذاشته است. این امر بر اساس حمایت از مسلمانان و مستضعفین، ارزش‌های اسلامی و اصل مصلحت بنا گردیده و از طریق توجه به کرامت انسانی و در قالب توجه به نقاط مشترک با حقوق بشر جهانی قابل ارتقاء می‌باشد. بدین ترتیب اکنون سؤال اصلی اینست که؛ نقش حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی ایران بر مبنای چه رویکردی قابل تحلیل بوده و راهکار ارتقاء آنچه می‌باشد؟ لذا این مقاله با اتکا به رهیافت گفتمان لاکلا و موف و با رویکرد نظری و تحلیلی در پی پاسخگویی به سؤال مذکور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (۱۹۹۰)، اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۲۰۲۰)، حکومت اسلامی

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ rooz1357@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه و بیان مسأله

امروزه حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم حقوقی، سیاسی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دولت‌ها یافته است. اگرچه مفهوم حقوق بشر در ادبیات غربی عمدتاً بر مبنای نگرش‌های لیبرالی و سکولار شکل گرفته است، اما در جهان اسلام نیز حقوق و کرامت انسانی دارای مبانی عمیق دینی، اخلاقی و حقوقی بوده و از آموزه‌های قرآن کریم، سنت نبوی و منابع فقه اسلامی سرچشمه می‌گیرد. در این چارچوب، مفهوم «حقوق بشر اسلامی» به عنوان الگویی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، تلاش دارد ضمن تأکید بر کرامت ذاتی انسان، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را در پرتو آموزه‌های دینی تبیین و تضمین نماید. لذا در عصر حاضر حقوق بشر در اندیشه و ادبیات اسلامی، مفهوم مدرنی بوده و گفتمان خاصی را بوجود آورده که از آن به عنوان گفتمان حقوق بشر اسلامی یاد می‌شود. (عاکفی، ۱۳۹۹: ۷۵) در گفتمان حقوق بشر اسلامی، بدلیل استناد به قوانین اسلامی، شاهد بازنمایی متفاوتی از مسائل مرتبط با حقوق هستیم. امروزه در ایران گسترش گفتمان مدرنیته باعث گردیده عرصه دین از تحول و نگاه جدید دور نماند و موجب تأملات نوین در دین و در نتیجه، پیدایش دیدگاه‌ها و تفسیرهای جدید را نسبت به دیدگاه‌ها و تفسیرهای رسمی و سنتی فراهم آورد.

بنابراین از جمله آموزه‌هایی که در اثر گسترش گفتمان مدرنیته وارد حیطه فکری اندیشمندان شده است، حقوق بشر می‌باشد. حقوق بشر از نشانه‌های مدرنیته است که مستلزم پیدایش نوعی خودآگاهی، نوگرایی اسلامی و مدارا با مخالفین و گروه‌های به اصطلاح اپوزیسیون (قادری، ۱۳۹۷: ۵۱) و همچنین مواجهه تفسیرهای سنتی و نوگرایانه در جامعه اسلامی است. لذا ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی سیاست خارجی خویش را بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی، از جمله حمایت از مستضعفان، عدالت‌خواهی، استقلال، نفی سلطه و دفاع از حقوق ملت‌ها بنا نهاده است. قانون اساسی نیز در اصول مختلف، بر حمایت از حقوق انسان‌ها، مبارزه با ظلم و تبعیض و گسترش روابط بین‌المللی بر اساس معیارهای اسلامی تأکید کرده است. از این رو، حقوق بشر اسلامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی و ارزشی نظام اسلامی، قادر است نقش مهمی در جهت‌دهی به سیاست خارجی کشور ایفا نماید.

با این حال در عرصه بین‌المللی همواره چالش‌ها و اختلاف‌نظرهایی میان رویکرد اسلامی و برداشت‌های غربی از حقوق بشر وجود داشته است. این تفاوت‌های مبنایی، بعضاً زمینه‌ساز مناقشات سیاسی، حقوقی و رسانه‌ای گردیده و بر روابط خارجی تأثیر گذاشته است. در چنین شرایطی، تبیین دقیق مبانی حقوق بشر اسلامی، بررسی میزان تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر که با هدف بررسی نقش حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی ایران و راهکار ارتقاء آن انجام شده است، تلاش دارد با شناسایی نقاط قوت، کاستی‌ها و چالش‌های موجود، راهکارهایی عملی برای ارتقای جایگاه حقوق بشر اسلامی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.



انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند به تقویت گفتمان حقوق بشر اسلامی در عرصه بین‌المللی، افزایش کارآمدی سیاست خارجی کشور و ارتقای تعاملات سازنده با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کمک نماید.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در حیطه حقوق بشر و سیاست خارجی ایران صورت گرفته که به برخی از آنان با توجه به میزان اهمیت آن اشاره می‌شود. منصور منصوری (۱۴۰۱) در اثر خود به نام نقش حقوق بشر در سیاست خارجی ایران به بررسی حقوق بشر در سیاست خارجی کشورهای توسعه‌یافته و عکس‌العمل آن‌ها در برابر نقض حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه و نیز بررسی جایگاه منافع ملی در هنجارهای حقوق بشر و تأثیر آن بر نوع نگاه کشورهای توسعه‌یافته در قبال کشورهای در حال توسعه پرداخته است. زمانی و طلعت (۱۳۹۹)، در مقاله فرسایش حاکمیت ملی در حقوق بین‌الملل معاصر به موضوع حاکمیت دولت‌ها و تأثیر حقوق بشر بر آن پرداخته و قدرت گرفتن حقوق بشر در پرتوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را باعث توجه دولت‌ها به این مقوله دانسته است. لذا با مشاهده پیشینه پژوهش‌های مطروحه و نظایر آن واقف می‌گردیم پژوهش‌های مذکور غالباً به نسبت سنجی حقوق بشر و حاکمیت ملی دولت‌ها پرداخته و کمتر به ارتباط حقوق بشر بویژه حقوق بشر اسلامی و سیاست خارجی پرداخته شده است، بنابراین وجه تمایز مقاله حاضر که تلاش دارد به مسئله حقوق بشر اسلامی و نقش آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و راهکارهای ارتقاء آن را بیان دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱- حقوق بشر و سیاست

در عرصه سیاست در مورد مفهوم حقوق بشر دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. برخی معتقدند حقوق بشر از جنبه‌های مختلف با سیاست ارتباط دارد. اندیشمندان علوم سیاسی باور دارند هر کنش انسان از جهتی یک کنش سیاسی است، حتی اگر انسان، فعال سیاسی نباشد و فقط یک فعال مدنی باشد. طبق این دیدگاه نمی‌توان میان حقوق بشر و سیاست تفکیک قائل گردید؛ زیرا سیاست معطوف به تغییر رفتار یک حکومت تعریف می‌شود، در همان حال بخشی از فعالیت‌های حقوق بشری نیز معطوف به تغییر رفتار و عملکرد حکومت نسبت به شهروندان و محقق ساختن مطالبات آنان است. از لحاظ تاریخی نیز رویدادها و حوادث مرتبط به جهان سیاست و قدرت و اثرگذاری پیامدهای آن بر زندگی بشر، موجب شده جامعه بشری به مفاهیم، ارزش‌ها و معیارهایی روی آورد که تدریجاً تحت عنوان مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته و اعلامیه‌های حقوق بشری تدوین شده است. از این رو حقوق بشر از سوی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و بسیاری از کشورها این حقوق را در قوانین و رویه‌های قضایی خود مورد شناسایی قرار داده‌اند. این درحالیست که امروزه حقوق بشر از مهم‌ترین موضوعات اثرگذار بر مناسبات دولت‌ها با یکدیگر و نیز با شهروندان و دیگر سازمان‌های ملی و بین‌المللی محسوب می‌شود ولی سیاست خارجی حکومت‌ها غالباً بر اساس حفظ منافع ملی استوار است و حقوق بشر سهم قابل توجهی در این سیاست ندارند. اگر دولت‌ها در مواردی به حقوق بشر استناد نمایند، بیشتر تعبیر انسانی و پوششی در قالب دفاع از منافع ملی است؛ بنابراین باید اذعان داشت تأکید بر مسائل حقوق

بشری در عرصه عمومی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل برای تلطیف فضای سیاسی و روابط انسانی بین‌المللی تلقی گردد. وجود دو دیدگاه متعارض خوش‌بینانه و متقدانه در پیوند حقوق بشر و سیاست بیانگر آنست که این پیوند، منطقی و معطوف به ابعاد زندگی بشری است. همچنین وقتی مفاهیم و ارزش‌ها وارد جامعه و تاریخ می‌شود، امکان تفسیر به رأی و ابزاری شدن آن، دور از احتمال نمی‌تواند باشد؛ بنابراین برخورد جانب‌دارانه و غیرواقع‌بینانه، به‌خصوص از سوی برخی حکومت‌ها نسبت به حقوق بشر مطابق با مصالح و منافع خود، منحصر به موضوع حقوق بشر نیست. هرچند بر اساس اصول حقوق بشری اسلامی، نه تنها نایستی به دنبال سلب منافع دیگر ملت‌ها بود بلکه بر اساس آن، بسط روابط بین ملت‌ها بیش از مناسبات بین دولتی باید مورد توجه باشد. (چهرآزاد، ۱۳۹۹: ۴۳) علی‌ایحال تجربه سالیان اخیر بیانگر آنست که تأکید بر حقوق بشر یکی از عوامل اثرگذار برای تلطیف فضای سیاسی و مناسبات روابط بین‌الملل بوده است و در همین راستا حکومت‌ها تلاش می‌نمایند ضمن ارزیابی، بر وضعیت حقوق بشر در سایر کشورها تأثیرگذارند و بسیاری از مسائل را در جهت تأمین منافع خود حل‌وفصل نمایند.

۲- حقوق بشر و حکومت اسلامی

از چالش‌های اساسی حقوق بشر، بهره‌گیری از حکومتی است که کارآمدی لازم را برای تحقق حقوق بشر داشته باشد. ازاین‌رو تحقق حقوق بشر اسلامی در گرو استقرار و تثبیت حکومت اسلامی در جامعه است. نگاهی اجمالی به اهداف تشکیل حکومت اسلامی حاکیست که در چنین حکومتی به حقوق بشر توجه شده و نگاه حقوق بشری اسلام در تشکیل حکومت، مؤثر بوده است. البته می‌توان میان اهداف حکومت اسلامی و سایر حکومت‌ها مشترکاتی جست‌وجو نمود، اما نقاط تمایز اساسی وجود دارد که بیانگر تمایز تفوق حکومت اسلامی است. واضح است هنگامی که سخن از حقوق بشر می‌گردد هدف آن حقوقی است که انسان صرفاً بواسطه انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شوند. (Miller, ۱۹۹۱: ۲۲۲) این برداشت از مفهوم و ماهیت حقوق بشر، عمده‌تاً بر اساس دیدگاه اندیشمندان غربی به حقوق بشر مطرح شده است، اما اندیشمندان مسلمان در برداشت از مفهوم حقوق بشر اسلامی به تفکیک‌ناپذیری واژگان حق و تکلیف توجه دارند و هر یک از این دو بدون دیگری مفهوم ندارد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲: ۱۷) حتی تصور این‌که یکی علت و دیگری معلول باشد دشوار است. هریک از آن دو، ریشه در دیگری دارد. به‌گونه‌ای که حق بدون تکلیف و تکلیف بدون حق، معقول و مقبول نیست. (عمیدزنجانی، ۱۴۰۰: ۴۵) بنابراین هدف از خلقت هستی، دستیابی انسان به کمال و قرب الهی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزاری برای نیل به این هدف است. لذا اساسی‌ترین نقطه افتراق حکومت‌های دینی و غیردینی در همین هدف غایی نهفته است. در نظام‌های دموکراتیک، اهداف مادی، هدف غایی حکومت در نظر گرفته می‌شود و تأمین نیازمندی‌های دنیوی شهروندان در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد، اما در حکومت اسلامی به مصالح مادی و معنوی انسان‌ها توأمان توجه می‌شود حتی در نظام اسلامی، ابعاد روحانی، معنوی و اخروی در مقایسه با ابعاد مادی و دنیوی، اولویت دارند. (وحیدخراسانی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۵۷)



مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی بهره‌گیری از انسان‌ها از حق هدایت است؛ اولین حقی که انسان پیدا می‌کند اینست که کسی مانع تحقق عبودیت خداوند نشود و اولین گام در مسیر عبودیت خداوند، راه‌یابی به سمت هدایت صحیح است. لذا پس از خلقت هستی، هدایت مهم‌ترین امر است. حتی حق حیات که از اساسی‌ترین حقوق بشر دانسته می‌شود، گاهی استثنای پذیر بوده و در مواردی به افرادی اجازه داده می‌شود تا جان افراد دیگر را سلب نمایند، اما حق هدایت استثنای پذیر نیست. (شبان‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

از دیگر اهداف حکومت اسلامی حاکمیت توحید است. حکومت اسلامی از طریق انجام فرایض دینی، بندگان را به سمت صحیح هدایت مینماید. بشریت زمانی به حق اساسی خود دست می‌یابد که دین حق در زمین فراگیر شود و این امر جز در سایه تشکیل چنین حکومتی حاصل نمی‌شود. (همان: ۱۳۹)

حکومت اسلامی در راستای دفاع از حقوق انسان‌ها موظف است به دفاع از شاخص‌ها و مقومات انسانیت توجه نماید و بسترهای لازم را برای ایجاد محیط پاک و معنوی فراهم سازد و حتی باوجود زیان‌های مادی در دفاع از انسانیت انسان، امور معنوی را در اولویت قرار دهد و هزینه دین‌داری در جامعه را تقلیل نماید. (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸: ۶۲) اساساً افراد جامعه محقق هستند از محیط پاک و معنوی به‌منظور رشد فضایل اخلاقی در جامعه بهره‌مند باشند. بر اساس ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر اسلامی هر انسانی حق دارد توأمان با تلاش جامعه و دولت در یک محیط معنوی و به‌دور از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی زندگی کند.

در جامعه اسلامی، تعلیم و تربیت از اهم وظایف بر شمرده می‌شود. اعلامیه حقوق بشر اسلامی طلب علم و آموزش را یک فریضه واجب برای جامعه و دولت قلمداد نموده و دولت‌ها موظف‌اند نه تنها راه‌ها و وسایل تحقق آن را فراهم سازند، بلکه به انسان‌ها فرصت دهند که نسبت به دین و حقایق هستی، معرفت حاصل نمایند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرند. افزون بر آن حکومت‌ها نیز به‌ویژه حکومت‌های اسلامی می‌بایست تربیت دینی و دنیوی مردم را با هر عقیده و مذهب عهده‌دار شوند و به امر تعلیم و تربیت به شکل متوازن همت گمارند. لذا مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگ، جهالت زدایی و ضلالت روبی است تا ضمن برطرف شدن جهل و نادانی، علم و حکمت جایگزین آن گردد و با برطرف گشتن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح جانشین شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

همچنین گسترش قسط و عدالت از قوانین حاکم بر جهان آفرینش بوده و نظام هستی بر محور عدل استوار گردیده است. هرچند نظام‌های حقوقی بر اصل عدالت به‌عنوان مبنای حقوق بشر عنایت ویژه دارند؛ اما در نظام اسلامی این اندیشه تبیین دقیق و شفاف‌تری یافته است. عدل به‌مانند توحید در تمام شئون نظام اسلامی تجلی دارد و همان‌گونه که پیامبران الهی مأمور به اجرای عدالت هستند، مردم نیز موظف‌اند که در راستای اقامه عدالت اهتمام ورزند. (عمیدزنجانی، ۱۴۰۰: ۴۵) و حتی حکومت اسلامی موظف است با دشمنان نیز رفتار عادلانه در پیش گیرد.

برقراری تساوی و برابری در شریعت اسلامی از دیگر اهداف حکومت اسلامی است و اختلاف در دین، مذهب و نژاد، تأثیری در برخورداری از حقوق شهروندی ندارد. بدین ترتیب از دیدگاه اسلام گروه‌های غیرمسلمان که بر اساس پیمان‌های موجود در

فقه (مستأمن، ذمی، معاهد) و تحت لوای آئین اسلامی وارد بلاد اسلامی (دارالاسلام) می شوند و با پرداخت جزیه تا زمانی که در کشور اسلامی حضور دارند از حقوق شهروندی برخوردار می باشند. (اسماعیلی و غمامی، ۱۳۹۶: ۲۷۲ و غمامی: ۳۷۷) در تفکر اسلامی، انسان آزاد و دارای کرامت است و این آزادی در حدود مسئولیت او تعیین می شود. (عمید زنجانی، ۱۴۰۰: ۲۳۹) لذا هر انسانی حق دارد که آزادانه محل اقامت خود را انتخاب نماید و هرکس که در یک جامعه منکوب و بینوا شود میتواند به جامعه دیگری پناهنده گردد و بر آن جامعه واجب است که او را پناه دهد. (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵: ۴۶۲) این درحالیست که در قاموس حقوق بشر غربی تعریف قابل قبولی از کرامت انسانی ارائه نگردیده و تنها انسان مادی از کرامت بهره مند است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت انسانی به طبیعت و اموری از این قبیل برمیگردد، درحالیکه اسلام این کرامت را موهبت و فضل الهی میداند و انسان در جهان آفرینش محوریت دارد و بر اساس اراده حق تعالی، همه چیز حول تکامل انسان میچرخد.

یکی دیگر از اهداف تشکیل حکومت اسلامی، حفظ حرمت جان، مال و آبروی شهروندان است. از منظر اسلام، اختیار جان انسانها در ید اختیار خداوند است و حتی فرد حق ندارد زمینه هلاکت خود را فراهم نماید. البته احترام به جان افراد توسط حکومت اسلامی، تنها معطوف به جان مسلمانان نیست، بلکه اهل ذمه را نیز شامل میگردد. همچنین مال انسانها محترم است و نمیتوان متعرض اموال غیرمسلمان شد، اگرچه آن اموال نزد مسلمانان فاقد ارزش باشد. علاوه بر مال و جان، ایضاً آبروی افراد نیز حرمت دارد و کسی نمیتواند متعرض آبروی خود یا دیگران شود. اسلام افزون بر ضرورت حفظ آبروی مسلمانان، برای غیرمسلمانان نیز توصیه نموده و به کسی اجازه نمیدهد که به فردی از آنان ناسزا گوید یا اتهام بر آنان وارد سازد. لذا حکومت اسلامی موظف است از جریحه دار شدن آبروی شهروندان جلوگیری نماید، مگر آنکه خود آنان دست به عملی زنند که فرو ریختن آبروی ایشان را مجاز سازد. بر این اساس در برخی از کتب فقهی تصریح گردیده غیبت کردن کافر ذمی همانند غیبت کردن فرد مسلمان حرام است. (حصفکی، ۱۴۱۵ ق: ۳۵۱)

برقراری امنیت، رفاه و آسایش شهروندان از دیگر اهداف حکومت اسلامی است و مختل کنندگان امنیت در جامعه اسلامی در زمره مفسدان فی الارض برشمرده می شوند. همچنین تأمین رفاه و آسایش و داشتن محیط زیست سالم برای همگان نیز حائز اهمیت است. چراکه محیط سالم زیستی، زمینه بهره‌وری از محیط پیرامون را به منظور نیل به کمالات روحی و معنوی، بهتر فراهم می سازد. (جوادی آملی، ۱۴۰۳: ۲۸) با توجه به اهمیتی که بهداشت و سلامت در آموزه‌های دینی دارد، بند دوم ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، دولت و جامعه را موظف می‌دارد با توجه به بضاعت موجود برای هر انسانی امکانات تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز فراهم نماید. لذا بر اساس فقه اسلامی، نه تنها اسلام، حق بر بهداشت را با پایه‌ریزی مفهوم حفظ الصحة یا طب پیشگیری و مفاهیمی از این قبیل، به رسمیت شناخته است، بلکه حفظ محیط زیست، سلامت و مسائل بهداشتی مورد توجه قرار داشته و تعرض به محیط زیست مورد نکوهش قرار گرفته است. (ستایش پور: ۱۴۰۰، ۱۰۱) و از آنجا که تغذیه آدمی



به حیوان و گیاه وابسته است، تخریب محیط زیست مآلاً به هلاکت نسل آدمی می انجامد و مصداق بارز فساد در زمین است. (نامی، ۱۳۹۶: ۳۵۴)

۳- جریان شناسی حقوق بشر اسلامی

ارتباط اسلام و حقوق بشر همواره مورد بحث بوده است. برخی استنباط حقوق بشر از منابع اسلامی را انکار و برخی تلاش داشته‌اند ایده حقوق بشر اسلامی و ابعاد و مؤلفه‌های آن را تبیین نمایند؛ نهایتاً برخی از آن‌ها حقوق جهانی بشر و حقوق بشر اسلامی را با یکدیگر مقایسه نموده‌اند. در یک تقسیم‌بندی، دیدگاه‌های رایج پیرامون موضوع و ماهیت حقوق بشر اسلامی به دو جریان امتناعی و امکانی قابل تقسیم است (منتظری مقدم، ۱۴۰۱: ۴۹) بدین ترتیب امتناع حقوق بشر اسلامی به معنای نفی مباحث حقوق بشری در آموزه‌های اسلامی است و منظور از امکان حقوق بشر اسلامی اعتبار حقوقی و فقهی آن در آموزه‌های دین اسلام است. (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۳) لذا طرفداران امتناع حقوق بشر اسلامی با تأکید بر عدم سابقه مباحث حقوق بشری در آموزه‌های اسلامی و بطور کلی سایر ادیان معتقد هستند به لحاظ منطقی چنین اصطلاحی وجود ندارد، اما طرفداران جریان امکان حقوق بشر اسلامی اعتقاد دارند امکان عملی بودن طرح موضوع حقوق بشر و امکان ارائه آن به معارف اسلامی وجود دارد. ازجمله دلایل مهم این امر، نگاه الهی به ماهیت و سرشت انسان بوده و در نتیجه موضوع حقوق بشر اسلامی، حقوقی است که در اسلام برای همه انسان‌ها و به‌طور یکسان در نظر گرفته شده است.

۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی

سیاست خارجی از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری است ولی اهمیت آن در سرنوشت برخی کشورها و ملت‌ها چندان شناسایی نشده است. علیرغم اینکه آشنایی با مفاهیم سیاست خارجی در اکثر کشورهای اسلامی موضوعی جدید تلقی می‌شود، ولی مسلمانان از صدر اسلام دارای چنین میراث ارز شمندی بوده‌اند. چنانکه پیامبر اسلام (ص) با جلب نظر مساعده غیرمسلمان، در جهت زدودن ذهنیت منفی آنان کوشش میکرد و ایشان هدف خود را در سیاست خارجی، انجام رسالت خویش و رساندن پیام الهی به ملل جهان قرار داده بود. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۰۲) لذا سیاست خارجی نه تنها از بارزترین جلوه‌های حکمرانی در دولت اسلامی و نمایانگر وجهه بین‌المللی یک دولت محسوب می‌شود، بلکه در شکل‌گیری ماهیت دولت اسلامی نقش‌آفرینی می‌کند و به مثابه ابزار سنجش دولت اسلامی در نظر گرفته می‌شود. سیاست خارجی کشورها در تعامل با محیط پیرامونی شکل می‌گیرد و چگونگی تنظیم روابط خارجی دولت اسلامی با بازیگران عرصه نظام بین‌الملل از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است.

هرچند هدف سیاست خارجی ایران ایجاد یک جامعه اسلامی بر اساس اسلام ناب محمدی، دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش و ... تعریف گردیده (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۶۸) ولی با توجه به تحولات اخیر در صحنه بین‌الملل و خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و همچنین روی کار آمدن دولت چهاردهم، سیاست خارجی ایران با حفظ احترام بر اصول

عزت، حکمت و مصلحت، به دنبال تش‌زدایی در صحنه روابط بین‌الملل است. در این مسیر دولت وفاق ملی با حفظ عزت ملی و شأن بین‌المللی و باهدف انجام اصلاحات، تقویت وحدت ملی و تعامل سازنده با جهان تلاش دارد با اعمال سیاستی فرصت‌گرا و با ایجاد تعادل در روابط با همه کشورها، منطبق با منافع ملی و با هدف تقویت روابط گفتگو محور و بهره‌گیری از ظرفیت هنجار سازی خود و ترویج صلح، با ایجاد محیطی آرام برای توسعه پایدار، تقویت گفت‌وگو و مقابله با اسلام هراسی نقش مهمی در نظم جهانی پساقطبی اقدام نماید. تحکیم روابط با همسایگان، تقویت و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (نظیر شانگهای و بریکس)، ارتقا سرمایه‌گذاری‌های مشترک، مقابله با چالش‌های مشترک (مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، کمبود آب، بحران پناهندگان، تخریب محیط‌زیست و ...)، تداوم همکاری با کشورهای هدف و آمادگی جهت انجام گفتگوهای سازنده با کشورهای غیرمتخاصم بر پایه اصل برابری و احترام متقابل و نیز زمینه‌سازی جهت رفع موانع بی‌اعتمادی با آمریکا و نهایتاً حل و فصل مسألت‌آمیز مناقشه هسته‌ای و بویژه رفع تحریم‌ها که بیشترین آسیب را به حق مردم ایران در برخورداری از موازین اساسی حقوق بشر وارد نموده و باعث محرومیت آنان از دستیابی به حقوق مسلم خود شده است، (غریب‌آبادی و زمانی، ۱۴۰۱: ۳۱۰)، ازجمله اهداف سیاست خارجی جدید ایران تعریف می‌شود. پرواضح است تغییر و تحول در سیاست خارجی به‌مراتب سخت‌تر است. سیاست خارجی ایران به‌روشنی بیانگر آنست، دولت‌هایی که باهدف تغییر در سیاست خارجی، سکان‌دار شده‌اند علاوه بر موانع قانونی، با موانع ساختاری و نهادی گسترده مواجه‌اند و تنها سیاست خارجی را دچار دوقطبی پرهزینه کرده‌اند. در نقطه مقابل دولت‌هایی که به‌جای تغییر و تحول در سیاست خارجی راهبرد وفاق را دنبال نمودند؛ توانسته‌اند با بهره‌گیری از قدرت حاکمیت و با ابزار دیپلماسی؛ ضمن کاهش تهدیدات، فرصت‌های بی‌شماری را در حوزه داخلی و خارجی فراهم نمایند.

۵- جهان‌شمولی حقوق بشر و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

امروزه جهان‌شمولی حقوق بشر پیامدهای بسیاری بر سیاست خارجی وارد ساخته و حاکمیت نظام اسلامی ایران را با محدودیت مواجه نموده است. بدون تردید جهان‌شمولی حقوق بشر و حاکمیت ملی دارای حاصل جمع صفر بوده و گفتگوی میان آن‌ها مبتنی بر تعامل است. (مرتضوی: ۱۳۸۹، ۱۱۱) درباره جهان‌شمولی حقوق بشر نظرگاه‌های متعددی وجود دارد. عده‌ای آنرا نه به معنای یک اندیشه و فرهنگ، بلکه به عنوان حقوق لازم الاجرا جهانی شده می‌دانند و عده‌ای دیگر آنرا به اصولی ارزشی و اخلاقی تقلیل داده‌اند که توسط مردمان مختلف مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. (طلابکی و موسوی، ۱۴۰۱: ۲۱۶) اما آنچه مبرهن است موضوع جهان‌شمولی حقوق بشر و اثر آن بر حاکمیت ملی شامل حقوق اولیه شهروندان تلقی شده و بی‌توجهی به آن وجدان‌های بیدار را متأثر می‌سازد و حتی جهان با اراده قاطع‌تری به عملکرد دولت‌هایی که نتوانند یا نخواهند تعهدات و الزامات بین‌المللی را رعایت نمایند، برخورد می‌کند. مطابق با بینش سستی، بیشترین تهدید جهان‌شمولی حقوق بشر در زمینه حاکمیت ملی تجلی پیدا می‌کند. لذا با توجه به گسترش فرآیندهای جهان‌شمولی حقوق بشر و در نتیجه تضعیف حاکمیت ملی، به نظر می‌رسد که دامنه موضوعات، دستخوش تحولات عمده و اساسی شده باشند. فرآیندها و فشارهای جهان‌شمولی حقوق بشر، حکومت‌ها را به نحو



فزاینده‌ای در بر گرفته، لذا تغییر در آن‌ها مشهود و محسوس است. به‌ویژه آنکه فرایندهای جهان‌شمولی حقوق بشر منجر به بروز محدودیت در توانایی حکومت‌ها و حاکمیت‌ها در اتخاذ تدابیر و اقدامات مستقل در اجرای سیاست‌ها شده است. جهان‌شمولی در عرصه‌های مختلف، استقلال و حاکمیت مطلق حکومت‌ها را به‌نوعی خدشه‌دار ساخته است و علیرغم تأکید ماده ۲ منشور ملل متحد بر تساوی حاکمیت دولتها، ولی حاکمیت مطلق دولت‌ها امروزه دستخوش تغییر شده است و حاکمیت دیگر آن فضای بسته گذشته نیست و به عنوان قدرت مطلقه به‌شمار نمی‌آید. (غریب آبادی و طلابکی، ۱۴۰۱: ۴۰۱) ازجمله پیامدهای جهان‌شمولی حقوق بشر بر سیاست خارجی ایران می‌توان به ضرورت تقویت ابزارهای حکمرانی شایسته اشاره نمود. غالباً حکمرانی شایسته توسط نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول اتخاذ شده و در قبال اعطای برخی امتیازات، اجرای آن به کشورها تحمیل می‌گردد. (محمودی و آرش‌پور، ۱۳۹۶: ۲۱۸)

گسترش فعالیت کنشگران حقوق بشر غیردولتی از دیگر پیامدهای جهان‌شمولی حقوق بشر بر سیاست خارجی ایران قلمداد می‌شود و گسترش نقش افراد در حوزه حقوق بین‌الملل سبب گردیده نظم بین‌المللی، صرفاً حقوق روابط بین‌الدول نباشد و حقوق فرادولتی را نیز دربرگیرد. (کاسسه، ۱۳۸۵: ۳۰۹) در همین راستا برای افراد در حوزه حقوق بشر امکان دادخواهی فراهم شده، مسئولیت بین‌المللی کیفری افراد به رسمیت شناخته شده و نقض اساسی حقوق بنیادین بشر، واکنش‌هایی چون مسئولیت حمایت را به دنبال داشته است. جهان‌شمولی، علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص و سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های فراملی را نیز به‌عنوان کنشگران فعال بین‌المللی مطرح نموده است. در جریان جهان‌شمولی با پیدایش مفاهیم مشترک بین‌المللی، مرزهای ملی اهمیت خود را ازدست‌داده و ملت‌های به مفاهیم مشترک میان خود پی می‌برند. لذا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگران اصلی، این مفاهیم مشترک را مورد شناسایی قرار می‌دهند. (جلالی و مقامی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) به‌طور نمونه پذیرش مفاهیمی مانند میراث مشترک بشریت و قواعد آمره، در همین راستا قابل توصیف است. همچنین واگرایی سیاسی و نیز رشد جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت مانند بنیادگرایی اسلامی از دیگر پیامدهای جهان‌شمولی حقوق بشر بر سیاست خارجی ایران قلمداد می‌شود.

۶- جایگاه حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

طبق قانون اساسی، سیاست خارجی می‌بایست منطبق با رویکرد دفاع از حقوق انسان‌ها طراحی و ساماندهی شود و اختصاص یک‌فصل از قانون اساسی به سیاست خارجی بر اهمیت این مسئله در نظام اسلامی تأکید دارد. (مدنی، ۱۳۹۰: ۳۳۹) لذا پرداختن به جایگاه دفاع از حقوق انسان‌ها در سیاست خارجی نظام اسلامی، به‌ویژه در سیاست خارجی ایران امری ضروری است. امروزه دول غربی از حقوق بشر به‌عنوان ابزار سیاست خارجی بهره می‌برند و در راستای دفاع از آن به اشغالگری و نقض حقوق بشر در جهان مبادرت می‌ورزند. آنان با طرح ادعاهای بی‌اساس و اتهامات واهی به ادیان و فرهنگ‌های گوناگون بویژه به اسلام و مسلمانان، ضمن ایجاد اسلام‌هراسی و اهانت به مقدسات دینی و مذهبی به حمایت از نسل‌کشی علیه مسلمانان می‌پردازند. این درحالیست که نه تنها

نظام اسلامی نمیتواند در خصوص سرنوشت انسانها منفعل باشد بلکه طبق قانون اساسی حقوق انسانها مورد احترام است. از این رو بر اساس ارزش‌های مورد تأکید در قانون اساسی از جمله اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ و نیز بند ۱۶ از اصل سوم، دفاع از حقوق انسانها و توجه به اصول و قواعد حقوق بشر اسلامی با ماهیت نظام اسلامی ایران پیوند خورده است.

پرواضح است از آنجاکه یکی از مؤثرترین مسائل در بررسی نظام بین‌الملل، فهم عوامل تأثیرگذار بر رفتار خارجی دولتها بوده و نظام جهانی مشتمل بر ساختار بین‌المللی و دربرگیرنده دولتها و تأثیرات آنها بر یکدیگر، سازمان‌های بین‌المللی و تأثیرات متقابل بازیگران غیردولتی است لذا تفکر و انگاره سازمانهای بین‌المللی روزبه‌روز از پیچیدگی و نفوذ بیشتری برخوردار میگردد، بطوری‌که این واقعیت در گفتار و رفتار دولتها قابل مشاهده است. گرچه دولتها تاکنون حاکمیت ملی خود را به نفع سازمانهای بین‌المللی واگذار نکرده‌اند، اما بسیاری از آنها ناگزیر به انجام وظایفی هستند که توسط این سازمانها اعلام می‌شود. (ظریف و سجادپور، ۱۴۰۲: ۸) بنابراین رشد روزافزون سازمانهای بین‌المللی و علاقه دولتها به عضویت در این سازمانها، بیانگر ضرورت وجود این سازمانها در عصر حاضر است. رشد کمی و کیفی این سازمانها به تدریج تمرکز حاکمیت و اقتدار نهاد دولت ملت را به چالش کشیده و روند انتقال قدرت از نهاد دولت ملت به سازمانهای بین‌المللی حاکی از یک تحول تدریجی در ساختار روابط بین‌الملل است. لذا در این چارچوب، شناخت سیاست خارجی ایران و رویکرد آن نسبت به سازمانهای بین‌المللی به‌ویژه سازمان همکاری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران با حفظ ملاحظات ملی، فراملی و اسلامی وظیفه‌ای خطیری به مسئولان و سیاست‌گذاران به‌ویژه در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی محول نموده است. از این رو با توجه به اهمیت وجود سازمانهای بین‌المللی، سازمان همکاری اسلامی بر محور همگرایی سیاسی و بر اساس اهداف ایدئولوژیک شکل گرفته تا وحدت کلمه را در بین دول اسلامی ایجاد نماید. هرچند این سازمان برای حمایت از حقوق بشر سازوکارهای مناسبی پیش‌بینی ننموده و بعضاً تحت تأثیر کشورهای غربی قرار داشته است و همواره بحث مداومی بین کشورهای غربی و مسلمانان در مورد سازگاری مفاد آن با استانداردهای حقوق بشر وجود داشته است. تصویب برنامه اقدام ده ساله در سال ۲۰۰۵ نقطه عطفی در دستور کار سازمان همکاری اسلامی بود و تأسیس کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر راه را برای بازنگری اعلامیه قاهره در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک موفقیت بزرگ هموار کرد. این درحالیست که با اصلاحات صورت گرفته بویژه در مورد حق آزادی مذهب، حقوق زنان و نیز حق آزادی بیان در اعلامیه جدید (۲۰۲۰) تطابق بیشتری با هنجارها و ارزشهای حقوق بشر جهانی یافته و گفتمان حاکم در آن نسبت به اعلامیه قاهره از سازگاری بیشتری با «اصول ارزشهای اسلامی» برخوردار گردیده است و میان اسناد حقوق بشر اسلامی و بین‌المللی توازن و تعادلی ظریف برقرار گردیده که منجر به انطباق کامل‌تر ارزشها و هنجارهای اسلامی با معیارهای جهانی حقوق بشر شده است. هرچند به اعتقاد برخی صاحب‌نظران نسخه اصلی عربی اعلامیه جدید با ترجمه انگلیسی آن یکسان نیست و نویسندگان آن از مهارت‌های دیپلماتیک در تهیه دو اعلامیه جداگانه استفاده کرده‌اند که همگان را راضی نماید (Mozaffari, ۲۰۲۲: ۱۱۱) ولی این امر علاوه بر ارتقاء جایگاه این سازمان در میان کشورهای عضو و مجامع بین‌المللی، در



گفتمان جدید نوعی تغییر نگرش در جهت اعتلای بیشتر حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های اساسی صورت گرفته است و نقش این سازمان را نزد ارکان وابسته به سازمان ملل از جمله شورای حقوق بشر قابل قبول دانسته و جایگاه حقوق بشر اسلامی را در سیاست خارجی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار نموده است.

۷- جایگاه نهاد دیپلماسی در دفاع از حقوق بشر اسلامی

با توجه به ساختار نظام اداری و تشکیلاتی در جمهوری اسلامی ایران و به منظور مقابله با چالشهای حقوق بشری نظام سلطه غرب که متأثر از تفکرات سکولار - لیبرال میا شد، علاوه بر ستاد حقوق بشر به عنوان عالی‌ترین نهاد مرجع درباره تمامی مسائل مربوط به حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی که بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و تأیید مقام رهبری (ره) به صورت نهادی فراقوه‌ای به امر سیاستگذاری و تدوین راهبردهای کلان حقوق بشری میپردازد و مسئولیت هدایت امور مرتبط با مسائل حقوق بشر در سطح داخلی و بین‌المللی را با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط بر عهده داشته و در جهت انجام وظایف محوله با نگرشی دقیق و جامع به اصول و مبانی قضای اسلامی، حقوق اساسی، سیاستهای کلی نظام و قوانین حاکم داخلی و کنوانسیونهای بین‌المللی ایفای نقش مینماید، وزارت امور خارجه نیز در راستای اجرائی نمودن قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران بویژه ماده ۱۰۰، با تأکید بر کنشگری فعال در امر دیپلماسی رسمی و عمومی بعنوان بازویی پرتوان عهده‌دار پیگیری هدفمند و مؤثر مواضع سیاست خارجی نظام اسلامی در مجامع بین‌المللی میباشد. از جمله مباحث مطرح نزد وزارت خارجه علاوه بر کنشگری فعال در موضوعات مختلف بین‌المللی شامل، خلع سلاح، محیط زیست، صیانت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور، لغو تحریم‌های ظالمانه، مدیریت بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای و مقابله با خشونت‌گرایی، ارباب‌گری (تروریسم) و افراط‌گرایی و الهام‌بخشی انقلاب اسلامی به جامعه مستضعفین جهان و نیز حمایت و صیانت از حقوق، هویت و سرمایه اجتماعی هموطنان خارج از کشور، مسائل مربوط به حوزه حقوق بشر و دفاع از مواضع و عملکرد آن در سازمان‌های مرتبط بین‌المللی بویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل است. این شورا به صورت مستمر به بررسی مواضع حقوق بشری کشورهای عضو می‌پردازد و ضمن انتخاب گزارشگران موضوعی، کشوری و نیز برخی گروه‌های ویژه‌کاری به بررسی، نظارت و پایش وضعیت حقوق بشر و نقضهای فاحش آن در کشورها می‌پردازند. از این رو وزارت خارجه ضمن فراهم نمودن مقدمات لازم جهت عضویت در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله عضویت نخستین بانوی دیپلمات ایرانی نزد کمیته مشورتی شورای حقوق بشر سازمان ملل از ژانویه سال ۲۰۲۵ میلادی و نیز ممانعت از طرح قطعنامه سازمان ملل و سایر ارگان‌های وابسته در مورد حقوق بشر ایران، در جهت بهبود موقعیت و سطح اثرگذاری ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تغییر دادن نگرش‌های منفی در زمینه اتهام نقض حقوق بشر به کشورمان تلاش مینماید و در صدد جلب نظر و آراء کشورها در مجامع بین‌المللی و رفع اقدامات منفی علیه ایران است تا از این طریق با ترویج اصول حقوق بشر اسلامی به حقانیت نظام اسلامی در سازمانها و مجامع بین‌المللی بپردازد.

بدین ترتیب وزارت خارجه با راهبری ستاد حقوق بشر به تقویت نقش و جایگاه حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی، تعامل گسترده با شورای حقوق بشر سازمان ملل و نهادهای وابسته از جمله کمی ساریای عالی حقوق بشر و تعمیق همکاری با سازوکارهای حقوق بشری پرداخته و ضمن توسعه گفتگوهای حقوق بشری با کشورها و شرکت فعال در مجامع عمومی سازمان ملل، به برنامه‌ریزی برای هدایت فضا و رو شنگیری لازم در ارتباط با قطعنامه‌های پی شنهادهای دول غربی علیه کشورمان و انعکاس پاسخ‌های روشنگرایانه در واکنش به ادعاهای مطروحه پرداخته است. مشارکت با ستاد حقوق بشر در تهیه گزارشهای ادواری در خصوص اجرای میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تهیه گزارشهای سالانه پیشرفت وضعیت حقوق بشر در ایران و نیز دفاع از گزارشهای ملی از دیگر اقدامات وزارت خارجه بوده که توجه و تأکید به مبانی حقوق بشر اسلامی به همراه سایر تعهدات و اصول پذیرفته شده در حوزه جهانی حقوق بشر از سوی آن وزارت خانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا اهتمام سفرا و نمایندگان ایران در خارج از کشور بویژه نمایندگی دائم کشورمان نزد سازمان همکاری اسلامی در جهت ارتقاء جایگاه حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران قابل توصیف است. معذالک علاوه بر راهبری فعالیتهای حقوق بشری نظام جمهوری اسلامی از سوی ستاد حقوق بشر و نیز پیشبرد سیاستهای اعلامی توسط وزارت امور خارجه، برخی نهادها و مراکز دیگر با شکل‌گیری و تمرکز بر فعالیت در حوزه حقوق بشر، مورد توجه نظام سیاسی و حقوقی کشور قرار گرفته که از جمله میتوان به کمیته حقوق بشر شورای عالی امنیت ملی، کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی، شورای هماهنگی حقوق بشر وزارت اطلاعات و ... اشاره داشت. علی‌ایحال جمهوری اسلامی ایران همواره طی دهه‌های گذشته مورد هدف اعمال اقدام‌های قهری یک‌جانبه غیرقانونی و غیرانسانی و نیز استانداردهای دوگانه حقوق بشری خلاف منشور ملل متحد بوده و هیچ‌گاه از تعهد خود برای حمایت و ارتقای حقوق بشر، به‌ویژه تبیین مبانی حقوق بشر اسلامی گامی به عقب برنداشته و تلاش‌های خود را تحت تأثیر موانع، چالش‌ها و محدودیت‌ها دچار خلل نکرده است. لذا دیپلماسی حقوق بشری ایران که متأثر از درک دقیق و عمیقی از حقوق بشر به‌عنوان عنصر مکمل اولویتهای مختلف دیگر است، سبب گردیده مأموریت مهم و پایبندی اخلاقی به حقوق بشر به‌عنوان جنبه جدایی‌ناپذیری از دستیابی به دیگر هدف‌های دیپلماتیک چارچوب‌بندی شود.

۸- راهکارهای ارتقاء حقوق بشر اسلامی

در امر ارتقاء حقوق بشر اسلامی، تقویت آگاهی و آموزش می‌تواند به‌عنوان نخستین گام در مسیر حمایت و ارتقای حقوق بشر مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص تسهیلگری یا آموزش مشارکتی بعنوان یکی از روشهای نوین میتواند مناسبترین روش برای آموزش حقوق بشر معرفی گردد. ترویج ارزشهای حقوق بشری، احترام به تفاوتها و مخالفت با تبعیض، تشویق به تجزیه و تحلیل مسائل حقوق بشری، شناسایی نیازهای حقوق بشری، انطباق آموزش با ویژگیهای محلی، ترویج دانش و مهارت حقوق بشر، مشارکت محوری و برقراری ارتباط میان محتوای آموزش و زندگی روزمره فراگیران در انطباق کامل با مؤلفه‌های روش تسهیلگری مورد تأکید است. (رحمتی فر: ۱۳۹۸، ۶۱) همچنین اهتمام نسبت به کرامت انسانی و عدالت اجتماعی و همچنین جرم انگاری از



طریق اصلاح و بازنگری در برخی قوانین کیفری نیز یکی از اصلی‌ترین محورهای ارتقاء و پیشرفت حقوق بشر اسلامی خواهد بود؛ توجه به تأمین حق بر آموزش، حق بر سلامت و حقوق مربوط به برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی و نیز تقویت قوانین ملی و نهادهای نظارتی و قضائی به اقدام‌های مهمی منجر می‌گردد که بخش قابل‌توجهی از پیشرفت‌های حقوق بشری ایران را شامل خواهد شد. عدالت اجتماعی، بعنوان یکی از اصول بنیادین نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و در قانون اساسی و سیاست‌های کلان کشور بازتاب یافته است. (کرمی مقدم، رسول: ۱۴۰۴، ۱۰۱) همچنین یکی از مهم‌ترین محورهای پیشرفت حقوق بشری ایران در چارچوب حقوق اشخاص قابل تفسیر است؛ حقوق زنان و کودکان، حقوق افراد دارای معلولیت و سالمند، حقوق پناهندگان و پناهجویان و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی در این چارچوب قابل توجه است. بدیهی است با اعمال و رعایت این راهکارها نه تنها بی‌عدالتی در جامعه کاهش یافته و انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد، بلکه با تقویت مشارکت شهروندان در اداره جامعه و حمایت از نسل‌های آینده، حقوق بشر به ایجاد آینده‌ای بهتر و پایدارتر کمک خواهد نمود و نهایتاً با شناخت و درک عمیق‌تر حقوق بشر، می‌توان به ایجاد جهانی صلح‌آمیز و عادلانه‌تر کمک کرد. بدین ترتیب واضح است که ارتقای حقوق بشر اسلامی نیازمند ترکیبی از اقدامات در زمینه آموزش، اصلاحات قانونی، تقویت نهادهای نظارتی و مشارکت مردمی است. لذا با تکیه بر تعالیم اسلام و قانون اساسی، می‌توان به الگویی متعادل از حقوق بشر دست یافت که همسو با ارزش‌های دینی و ملی باشد.

جمع‌بندی

این مقاله با هدف بررسی نقش حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی ایران و راهکار ارتقای آن، به بررسی تطبیقی مبانی و اصول حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته است. یافته‌های حاصله بیانگر آنست، اگرچه میان دو نظام حقوقی مذکور در برخی اصول بنیادین نظیر کرامت انسانی، حق آموزش، منع برده‌داری و احترام به حقوق ذاتی انسان اشتراکاتی وجود دارد، اما در حوزه مبانی نظری، اهداف، قلمرو حقوق و سازوکارهای اجرایی تفاوت‌های اساسی مشاهده می‌شود. نتایج پژوهش حاکیست که حقوق بشر، همواره از موضوعاتی است که کشورهای صاحب قدرت از آن به عنوان دستاویزی برای نفوذ و اعمال قدرت استفاده می‌کنند. لذا اعلامیه جهانی حقوق بشر از همان ابتدا با واکنش اندیشمندان مسلمان مواجه گردید و از آنجا که تکامل حقوق بشر مرهون ادیان بزرگ الهی بوده و مذهب تأثیرات عمیقی در تکامل آن بر جای گذاشته است، لذا اسلام به عنوان یک دین الهی، تمامی اصول حقوق بشری را در خود جای داده و حقوق بشر را امری جهان‌شمول معرفی نموده است. از اینرو علیرغم این که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصول حقوقی چون وحدت خانواده بشری، کرامت انسان، آزادی‌های فردی و حق حیات، حق داشتن امنیت، آزادی انتخاب مسکن، آزادی اندیشه و بیان و ... مورد تأکید قرار گرفته است و در برخی مسائل همچون شناسایی حق مالکیت معنوی و منع برده‌داری، حق تعلیم و تربیت و ... دارای نقاط مشترک با اعلامیه حقوق بشر اسلامی است، ولی در مقابل تفاوت‌های بسیاری در مبانی، اهداف، قلمرو و ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده دارد که استحکام و جامعیت اعلامیه حقوق بشر



اسلامی را نسبت به اعلامیه حقوق بشر جهانی کاملاً مشهود می‌نماید. براین اساس حقوق بشر اسلامی با رویکردی تفوق آمیز و با بهره‌گیری از رهیافت گفتمانی ارنستولاکلا و شتال موف قابلیت تبدیل شدن به یک گفتمان هژمونیک را داراست و می‌تواند مبنای مؤثری برای جهت‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. همچنین مطالبه رعایت حقوق بشر اسلامی از سوی سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی، و تنظیم روابط خارجی بر اساس میزان پایبندی به این اصول، از جمله راهبردهای پیشنهادی این مقاله به شمار می‌آید. لذا در این مقاله تلاش گردیده از سویی بر وجود سیطره و تفوق حقوق بشر اسلامی در سیاست خارجی ایران اشاره گردد و علیرغم تفاسیر غالب گفتمان لیبرالیستی حقوق بشر، زمینه برتری گفتمان حقوق بشر اسلامی نسبت به گفتمان حقوق بشر غربی محقق گردد و از دیگر سوی راهکارهای ارتقاء حقوق بشر اسلامی مورد اشاره و تأکید قرار گیرد.



فهرست منابع؛

- اسماعیلی، محسن و غمامی، محمد مهدی، (۱۳۹۶)، مبحث جزیه ۵۲، دائرةالمعارف حقوق عمومی، نشر دانشگاه امام صادق پروین، خیرالله، (۱۳۸۸)، تأثیر جهانی شدن و تحولات بین المللی بر حاکمیت و استقلال دولتها، مجله حقوقی دانشگاه تهران: ش ۴۰
- جعفری، محمدتقی، تحقیق در نظام جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۵
- جلالی، محمود و مقامی، امیر، (۱۳۸۷)، کارکرد حقوق بین الملل در فرآیند جهانی شدن حقوق، مجله حقوقی دانشگاه تهران: ش ۴۱
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی، قم: مجله الکترونیکی اسراء، ش ۲
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء، ۱۴۰۳
- چهرآزاد، سعید، (۱۳۹۹)، هویت ملی به مثابه قدرت نرم، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۰، ش ۱
- حصفکی، علاءالدین، الدر المختار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق
- حکمت نیا، محمود و همکاران، (۱۳۹۸)، درآمدی بر نظریه حقوقی اسلام، مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۱۴
- رحمتی فر، سمانه و گنجعلی، مهرداد، (۱۳۹۸)، تسهیلگری: روش آموزش حقوق بشر، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ش ۲، دوره ۸
- ستایش پور، محمد و احمدی، الناز، (۱۴۰۰)، حق بر بهداشت از منظر اسلام و حقوق بین الملل، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ش ۲، دوره ۱۰
- سجادی، عبدالقیوم، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸
- سریع القلم، محمود، سیاست خارجی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۷۹
- سلسله مباحث اسلام؛ سیاست و حکومت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۲-۳، ۱۳۷۸
- شبانیا، قاسم، حقوق بشر در پرتوی حکومت اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳
- طالبکی، اکبر و موسوی، رضا، (۱۴۰۱)، حقوق بشر و تنوع فرهنگی؛ رویکرد اسلامی، فصل هفتم درآمدی بر حقوق بشر؛ از نگاه اسلامی ایرانی
- ظریف، محمدجواد و سجادیپور، محمدکاظم، دیپلماسی چندجانبه، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۴۰۲
- عاکفی، موسی، اسلام و حقوق بشر، تهران: مجد، ۱۳۹۹
- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰
- غانی، محمدرضا، نهادهای ملی حقوق بشر، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸
- غریب آبادی، کاظم و زمانی، قاسم، (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر تحریمها بر بهره مندی از حقوق بشر، فصل نهم درآمدی بر حقوق بشر؛ از نگاه اسلامی ایرانی
- غریب آبادی، کاظم و طالبکی، اکبر، درآمدی بر حقوق بشر؛ از نگاه اسلامی - ایرانی، تهران، حقوقی، ۱۴۰۱
- غمامی، محمد مهدی، (۱۳۹۶)، مبحث دارالاسلام ۷۲، دائرةالمعارف حقوق عمومی، نشر دانشگاه امام صادق
- غمامی، محمد مهدی و جمعی نویسندگان، دائرةالمعارف حقوق عمومی، نشر دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۶
- قادری، زینب و قادری، عاطفه، (۱۳۹۷)، حقوق و آزادیهای مخالفان سیاسی در حکومت علوی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ش ۱۵، دوره ۷
- کاسسه، آنتونی، (۱۳۸۵)، مشروعیت بین المللی اقدامات بشردوستانه در جامعه جهانی، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۶۹
- کرمی مقدم، رسول، (۱۴۰۴)، تحلیل تطبیقی حقوق بشر و عدالت اجتماعی در نظام حقوقی ایران و انگاره های اسلامی، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ش ۲، دوره ۱۴
- محمودی، امیر و آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۶)، حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه، مجله سیاست جهانی، ش ۶
- مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پایدار، ۱۳۹۰
- مرتضوی، اسدالله، جهانی شدن حقوق و حاکمیت ملی، تهران: پایان، ۱۳۸۹
- مصباح یزدی، محمدتقی و دیگران، ضمانت های اجرای قانون اساسی و اجرای علنی حدود، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳
- منتظری مقدم، محمود، دانش منطق ۲ و ۳، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۱
- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: مجد، ۱۳۹۷
- نامی، محسن، (۱۳۹۶)، مبحث حقوق محیط زیست ۶۷، دائرةالمعارف حقوق عمومی، نشر دانشگاه امام صادق
- نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه امام خمینی، ج ۲، ۱۴۰۱



هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ج.ا.ایران، تهران: میزان، ۱۴۰۴

وحید خراسانی، سید حسین، منهاج الصالحین، قم: دلیل ما، ۱۳۹۵

Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990), Organization of Islamic Conference.

Miller, David, The Blackwell Encyclopaedia of Political Thought, Blackwell, Oxford, 1991.

Organization of Islamic Cooperation (2020). "Resolution No. 63/47-POL: On Cairo Declaration of the OIC on Human.

Mozaffari, Mohammad Hossein: From Separation to Re-Engagement: The OIC Revised Declaration on Human1 The Journal of Human Rights Semi-Annual, Vol. 16, No.2, 2022, p. 111